

# یادداشت‌هایی بر پژوهش‌های مانوی

محمد شُکری قومشی<sup>۱</sup>

## چکیده

نوشته حاضر بخشی از یادداشت‌های پراکنده نگارنده در مطالعات مانوی، مشتمل بر جوانب و وجوه گوناگون این دسته از تحقیقات ایرانی، یعنی پژوهش‌های مربوط به آموزه، آیین، تاریخ، فلسفه، هنر و ادبیات مانوی و نیز تحقیقاتی است که به نوعی با پژوهش‌های مانوی مربوطاند، مانند تحقیقات مربوط به کیش گنوسی و جز آن. در این یادداشت‌ها ملاحظات میان رشته‌ای مد نظر است؛ چنان که، برای نمونه، ممکن است در بسیاری از موارد مخاطبان تحقیقات مانوی به پژوهش‌های ادب فارسی یا بالعکس نیز سوق داده شوند. همچنین در بین این موضوعات تحقیقی برخی از کتاب‌ها و مقالات مختلفی نیز معرفی خواهد شد که ممکن است برخی از آنها بسیار قدیمی، اما همچنان مفید و برخی دیگر بسیار جدید باشند. سعی بر آن است تا این نوشته سهمی ولو اندک در گسترده و عمیق‌تر شدن مطالعات ایرانی پیدا کند و این هدف دقیقاً همان رسالتی است که مطالعات مانوی دوشادوش تحقیقات ایرانی به دنبال آن است. به استثنای موارد خاص که در جای خود مشخص شده، همه دستنویس‌های مانوی متعلق به کتابخانه ملی برلین (SBB) است که از طریق وبگاه فرهنگستان علوم براندنبرگ - برلین (BBAW) سخاوتمندانه در اختیار عموم محققان گذاشته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات مانوی، قصه سُغدی، کیش گنوسی

## ۱- پاره‌هایی از دو قصه سُغدی و قصه‌های فارسی مشابه آنها در

### کلیله و دمنه و سندبادنامه

#### ۱-۱- قصه مرد مرواریدسُنب

سال‌ها پیش، والتر برونو هرمان هنینگ<sup>۲</sup> ایران‌شناس بزرگ آلمانی دو قطعه از داستان سُغدی مانوی (از مجموعه دستنویس‌های تورفان) را در مقاله‌ای به نام «قصه‌های سُغدی»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۵ در نشریهٔ *مدرسهٔ مطالعات شرقی و آفریقایی*<sup>۴</sup> انتشار داده بود. خود او تشخیص داد که روایت فارسی این داستان

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری، فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد برلین.

mshokrif@aol.de

<sup>۲</sup> - Henning, W. B.

<sup>۳</sup> - Sogdian tales

<sup>۴</sup> - BSOAS

در کلیله و دمنه نصرالله منشی نیز وجود دارد: ابتدای باب اول، باب برزویه طیب، با عنوان «حکایت بازرگان و سفته کردن جواهر». این قصه حاکی از این است که چطور بازرگانی مردی را برای تراشیدن مرواریدهایش اجیر کرد و چگونه شد که مرواریدتراش به جای این کار تا پایان روز برای بازرگان فقط عود (در کلیله و دمنه: چنگ) نواخت و در پایان دستمزدش را نیز از او گرفت.

همچنانکه هنینگ یادآور شد، این داستان در پنجه تتره موجود نیست. اما از آنجا که متن مانوی این داستان همراه با اندرزه‌های مانی به شاگردان وی نقل می‌شود، و ساخت ادبی این اندرزننامه‌ها، آن طور که هنینگ نوشته، بسیار شبیه «کفالایا»<sup>۱</sup> است، به نظر می‌رسد اصل روایت به جامعه فرهنگی آرامی، یعنی خاستگاه فرهنگی خود مانی، تعلق داشته است. کفالایا مجموعه گفتارهایی از مانی است که توسط شاگردان وی نوشته شده است. در حال حاضر هم روایت تقریباً کامل قبطنی آن و هم پاره‌هایی از روایت ایرانی آن در مجموعه تورقان در اختیار است.



تصویر شماره ۱

M135/© Das Depositum der BBAW in der SBB, Orientabteilung

زرشناس (۱۳۶۹؛ ۱۳۸۰: ۵۳-۵۵) ترجمه فارسی این قصه و تفسیرهای مربوط به آن را در مقاله «داستان سغدی میمون و روباه» منتشر کرده است (همچنین نک. زرشناس - پرتوی، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۰۹). وی در اینجا داستانی شبیه این قصه را در «داستان‌های بیدپای» یافته است.

<sup>۱</sup> - Kephalaia

## ۲-۱- قصه میمون و روباه

هنینگ اصل این تمثیل را که در مقاله یاد شده منتشر کرده است، برگرفته از قصه‌های ازوپ می‌داند. او ما را از وجود قطعه‌ای به ترکی اویغوری از آثار «یوسپاس»<sup>۱</sup> (ازوپ)<sup>۲</sup> نیز آگاه می‌کند که جزء مجموعه دستنویس‌های بازیافته از تورفان است. سال‌ها پیش، این قطعه را لوکوک<sup>۳</sup> (۱۹۲۲: ۳۳) یکی از کاشفان همین دستنویس‌های تورفانی منتشر کرده بود.

بنابر این داستان، روزی، روباهی زیرک در جنگل غذای مفصلی پیدا کرد. با خود اندیشید: این غذا بی‌دلیل اینجا نیست و باید تله‌ای در کار باشد. پس نقشه‌ای کشید و پیش میمون رفت و گفت: در تمام جنگل حیوانی باهوش‌تر از تو وجود ندارد؛ تو باید شاه حیوانات باشی، زیرا نیمی از تن تو مانند انسان-هاست و نیمی دیگر شبیه حیوانات است. آنگاه گفت: آمده‌ام تا تو را به محل سلطنت و تخت شاه‌ات ببرم (اصالتِ آوانوشتِ متن سغدی، نسبی و تقریبی است):

T i/R/

12/ ZY prw γw'δk prš'y-δ ° ZY pr /ti par γāθuk paršēδ, ti par/

و بر گاه بنشین، و بر

13/ nγš'y-rtty cwpr γwβw myn ° /naxšīrtī čupar xuβu mēn./

نخجیران شاه بمان (زرشناس، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۸).

میمون خیره (ابله) (*xīrē makkara*) قبول کرد و به راه افتاد. روباه در راه طوری حرکت کرد که به محل غذاها برسند. آنگاه، رو کرد به میمون و گفت: در اینجا هیچکس به اندازه تو شایسته خوردن این خوراکی‌ها نیست. میمون فریب خورد و دست دراز کرد تا غذا را بردارد که در تله افتاد. در این هنگام، روباه خوشحال و راضی خوراکی‌ها را برداشت (همان).

کار مهم دیگری که در این زمینه صورت گرفته است، تشخیص روایت فارسی این داستان سغدی بود. زرشناس (۱۳۷۵: ۳۴۹-۳۵۸) در مقاله «داستان سغدی میمون و روباه» روایت فارسی این داستان را در *سندبادنامه* (از محمد بن علی ظهیری سمرقندی، قرن ششم هجری) یافته است: داستان «حمدونه با روباه و ماهی» (ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۷). این مقاله نیز در کتاب *جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی* (زرشناس، ۱۳۸۰: ۱۱۱-۱۲۰) و همچنین، در کتاب *قصه‌هایی از سغد* (زرشناس - پرتوی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۷) دوباره منتشر شده است. باید در اینجا این نکته خاطر نشان شود که در هر دو داستان سغدی مواردی وجود دارد که با روایت‌های فارسی آن تا حدودی متفاوت است. از اینرو، به نظر می‌رسد منابع *کلیده و دمنه* و *سندبادنامه* متفاوت از منابعی است که مورد استفاده مانویان قرار گرفته است. این نکته در مورد متن سغدی زیر نیز صادق است.

1- Yosipas

2- Æsop

3- LeCoq, A.

## ۲- «رو به پشت، رو به شکم»: متنی سُغدی در باب چگونگی موجودیت یافتن کودک در بطن مادر و روایت مشابه آن در *کلیله و دمنه*

در اواخر باب اول، یعنی باب برزویه طیب، در بخش «حکایت بازرگان و سُفته کردن جواهر» (البته پس از نقل این حکایت) می‌خوانیم: در کتب طب چنین آمده است که

آنکه اعضاء (جنین در بطن مادر) قسمت پذیرد و رویِ پسر پشتِ مادر و رویِ دختر سوی شکم باشد،<sup>۱</sup> و دست‌ها بر پیشانی و زنج (چانه) بر زانو ... و چون مدت درنگِ وی سپری شود و هنگام وضع حمل و تولد فرزند باشد، بادی بر رحم مسلط شود و قوت حرکت در فرزند پیدا آید... (منشی، ۱۳۷۳: ۳).

رک<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) پژوهشگر برجسته آکادمی علوم برلین، در مقاله «رنج‌های وجود انسان: مقایسه یک قطعه سُغدی با عبارتی از باب برزویه در *کلیله و دمنه*؟»، دو قطعه سُغدی شناسایی کرد و پس از بررسی فراوان احتمال می‌دهد که متن این دو دستنویس با اندکی اختلاف باید همان متن یاد شده در *کلیله و دمنه* باشد. او این ملاحظات را در پنجمین کنگره بین‌المللی مطالعات مانوی (ناپل، سپتامبر ۲۰۰۱) ارائه کرده است.

این قطعات (So 18700 و So 10650(1)) در کتابخانه ملی برلین محفوظ است. قطعه نخست با ۲۸ سطر در رو و پشت برگ بزرگتر و دومی با ۲۰ سطر در رو و پشت برگ کوچکتر است. رسم‌الخط این دو قطعه یکی است و می‌توان این دو را در حقیقت پاره‌هایی از یک دستنویس دانست. اما، همچنان که رک متذکر شد، معلوم نیست میان این دو برگ چند سطر مفقود شده است. رک موضوع مقاله خود را به زیبایی با تحقیق باارزش رزهک<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) تحت عنوان «پُشتِ مَرَد - شکمِ مَرَد، زبان و واقعیت در نظام خویشاوندی بلوچ‌ها»، یعنی با دو اصطلاح بلوچی «puštağ mard» و «lapağ mard»، پیوند می‌زند. مقاله اخیر در نخستین جشن‌نامه ورنر زوندرمان معروف به *ایران و تورفان* منتشر شد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - به عبارت دیگر، اگر صورت جنین به سمت شکم مادر باشد، بچه دختر است و اگر صورت او به سمت پشت مادر باشد، بچه پسر به دنیا خواهد آمد.

<sup>۲</sup> - Reck,

<sup>۳</sup> - Rzehak, L.

<sup>۴</sup> - ده سال پس از همایش نخست، همایشی دیگر به مناسبت هفتادمین سالگرد تولد زوندرمان در آکادمی علوم برلین برگزار شد که مقالات آن در مجموعه زیر منتشر شد: «*مواد ادبی و سبک‌های آن در دوره ایرانی میانه*». همایشی به مناسبت هفتادمین سالروز تولد ورنر زوندرمان، به کوشش دژمُند دورکین مایسترارنست؛ کریستیانه رک؛ دیتِر وپر، ویسبادن ۲۰۰۹. بنگرید به: Durkin-Meisterernst et al., 2009.

### ۳- دو کتاب از مانی

#### ۳-۱- شاپورگان

شاپورگان تنها کتاب مانی به فارسی میانه و مهم‌ترین منبع مانوی است که در آن از عقیده مانی درباره سرنوشت انسان در پایان جهان سخن به میان می‌آید. مانی این اثر را برای شاپور یکم نوشت، احتمالاً بدان امید که این پادشاه ساسانی دین مانی را به جای دین زردشتی دین رسمی ایران‌شهر کند. برای مانی‌شناسان همواره این سؤال مطرح بود که چرا در هیچ فهرستی از آثار کانونی مانوی، چه شرقی (کومیندیوم چینی) و چه غربی (در کفالیای قبطی) نام شاپورگان ذکر نشده است. البته طبیعی بود که مانویان به سبب قتل مانی توسط دربار ساسانی نام این کتاب را از این دو لیست معروف حذف کرده باشند. اما رک (۲۰۱۰) خاطرنشان کرده است در متنی که اخیراً توسط یوتاکا یوشیدا<sup>۱</sup> کشف شد، کتاب شاپورگان با حرف نوشت  $\check{s}'pwxrk'n$  در فهرست کتب مقدس مانی جای دارد. بر اساس نوشته او، نام شاپورگان در یک متن ترکی آبخوری نیز به صورت  $\check{s}ahbwhryan\ no[mu]y$  ضبط شده است.

مولر (۱۹۰۴)<sup>۲</sup>، بويس (۱۹۷۵: ۷۶-۸۱)<sup>۳</sup>، مکنزی (۱۹۷۹، ۱۹۸۰)<sup>۴</sup> و هوتن (۱۹۹۲)<sup>۵</sup> به ترتیب روی همه قطعات شاپورگان کار کردند. عمرانی (۱۳۷۹) نیز این قطعات را به فارسی برگردانده است. همه آنچه از شاپورگان بازمانده، به خط مانوی است، ولی رک (در مقاله یادشده) در این که اصل کتاب نیز بدین خط نوشته شده باشد تردید داشت؛ زیرا، به قول او، دربار شاپور قاعداً با خط مانوی آشنایی نداشتند و از این رو منطقی به نظر می‌رسد که اصل کتاب یا دست کم تحریری از آن که به شاپور یکم پیشکش شده بود، به خط پهلوی نوشته شده باشد، اگرچه همه مورخان اسلامی که از مانی و آثارش یاد کرده‌اند، نوشته‌اند که مانی یکی از هفت اثرش را به پارسی (فارسی میانه یعنی شاپورگان) و مابقی را به زبان سریانی نوشته است.

در قطعاتی از شاپورگان که در واحه تورفان کشف شده است، عنوان «دو بن شاپورگان» یا «دو بن بزرگ شاپورگان» یا فقط «دو بن بزرگ» آمده است. نیک پیداست که اصطلاح «دو بن» رکن اساسی آموزه‌های مانی است و به دوگانگی مطلق میان روح و ماده یا روشنی و تاریکی اشاره دارد. اما، چنانچه در منابع دیگر عنوان «دو بن» دیده شود، لزوماً بدین معنا نیست که این اصطلاح به شاپورگان اشاره دارد.

<sup>1</sup> - Yoshida, Y.

<sup>2</sup> - Müller, F. W. K.

<sup>3</sup> - Boyce, M.

<sup>4</sup> - MacKenzie, D. N.

<sup>5</sup> - Hutter, M.

همچنان که زبان متن، فارسی میانه است، نام ایزدان مانوی نیز در شاپورگان، ایرانی است: زروان (برای پدر بزرگی)، اهرمزد (برای انسان قدیم)، خردیشهریزد (برای عیسی درخشان). در این کتاب، نقش اصلی به عهده منجی اصلی مانوی یعنی خردیشهریزد یا عیسی درخشان است که در پایان جهان نقش اساسی را بر عهده دارد.

در آغاز آنچه از شاپورگان بازمانده، مانی به فریبکارانی می‌تازد که پیش از او، خود را به دروغ و نیرنگ پیامبر معرفی کردند (با اندکی دخل و تصرف):

پیامبران دروغین به دیوان خواهند گفت: ما فرستاده ایزدانیم، باشد که بیاید به کیش ما. پس، بیشتر مردم فریفته شوند. و اینان به بدکرداری، کام خواهند برد. و دینوری که دین خویش را (ژرف) باور ندارد، او نیز به آنان پیوندد. و آنگاه که اندر جهان چیزها (امور) اینگونه باشد، در زمین و آسمان خورشید و ماه و اختران نشان بزرگ پیدا خواهد شد. پس، خردیشهریزد، همان که خرد و دانش به انسان قدیم داد، خرد و دانش را برای مردمان پیوسته همی فرستد ... (عمرانی، ۱۳۷۹: ۳-۱).

پس از این بخش ناتمام، بخشی آغاز می‌شود با عنوان «درباره آمدن پسر انسان». اصطلاح «پسر انسان» که الگویی مسیحی است، همان خردیشهریزد (عیسی درخشان) است. او می‌آید تا جهان را از بدی پاک کند:

بانگی بزرگ سر داده شود و همه جهان آگاه شود و این ایزدان اندر آسمان‌ها و زمین و همه جهان: مانبد (اطلس)، ویسبد (الماس نور)، زندبد (شهریار شکوه) و دهیبد (نگهدارنده شکوه) و مرزبد (شاه افتخار) که عذاب دهندۀ دیوان‌اند، خردیشهریزد را ستایش کنند و مردم ... دوان دوان سوی او روند و نماز برند و فرمان او پذیرند... آنگاه، خردیشهریزد فرستادگانی به شرق و غرب فرستد ... (همان: ۵-۷).

مردمان می‌خواهند نزد خردیشهریزد از ظلمی که به آنان رفته سخن رفته، بگویند؛ اما او به آنان می‌گوید:

همه آنچه را که شما نزد من می‌خواهید بگویید، آن را من می‌دانم. پس، آنان را بستاید و دلشان را آرام کند (همان: ۹).



تصویر شماره ۲

IB 6429<sup>1</sup>/© Museum für indische Kunst, Berlin

آنگاه، خردشهریزد دینوران را در سوی راست خویش بنشانند و بدکاران را از دینوران جدا نمایند و در حالی که آنان را نفرین کند، ناشاد بر دست چپ خویش بنشانند. اینجا، او به دینوران چنین خوشامد می‌گوید:

dryst 'wryd 'šm(h) ky ('prydg 'yg) zrw'n (pdyš)  
q[yrd?] cy swyg w̄ tyšng bwd hym ['wd] 'šm'h  
xw'r w̄ b'r d'd ° b[r]hng bwd hym ° 'wt'n  
pymwxt hym xyndg bwd hym 'wt'n dryst (q)yrd  
hym ° bstg bwd hym ['w]t'n wš'd hym ° wrdg  
bwd hym 'wt'n bwxt hym ° 'wd [']wzd̄h w̄  
q'rd(°)g bwd hym 'wt'n qdg hrwpt hym °  
(مکنزی، ۱۹۷۹، § ۷۵-۸۵)

درست (خوش) آمدید شما که ستوده شده ز روان (پدر بزرگی) هستید؛<sup>۲</sup> چه، گرسنه و تشنه بودم و شما خواروبارم دادید؛ برهنه بودم و شما مرا پوشانید، بیمار بودم و شما تندرستم کردید؛ در بند بودم و شما مرا گشودید؛ برده بودم و شما نجاتم دادید؛ و آواره و سرگردان بودم و شما در خانه‌تان گردم آوردید (همان).

آنگاه، رو به بدکاران که در سمت چپ او نشسته‌اند، می‌کند و می‌گوید:

<sup>1</sup>- See Le Coq, 1923, Tafel 1b; ۹۵:۱۳۸۴. کلیپ کاپت.

<sup>۲</sup>- در این جمله، ترجمه نگارنده اندکی با ترجمه مکنزی فرق دارد.

من از شما گله‌مندم (*'wt'n 'n 'cyš gylg'y hym*). شما آزمند و بدکار بودید؛ گرسنه و تشنه بودم، خواروارم ندادید و ... پس، فرستادگانی از سوی خردیشهریزد آنان را به دوزخ بیفکنند. در این بخش تأثیر مسیحیت بر آموزه‌های مانی آشکارا دیده می‌شود؛ چه، به طرز جالبی، همین عبارات در انجیل متی (باب ۲۵، آیه‌های ۴۶-۳۱) آمده است.

از دیگر بخش‌های مهم شاپورگان که باز هم دربارهٔ پایان جهان است، می‌توان به دو بخش «دربارهٔ ویرانی جهان» و «دربارهٔ شدت آتش بزرگ» اشاره کرد. در بخش نخست، سخن از ایزدانی است چون مانبد، وادهرام یزد و ویسبد که در پایان جهان به امر خردیشهریزد وظایف خود را فروگذارند، چنانکه تمام زمین و زندان‌های دیوان یکی بر دیگری فروریزند. در بخش «دربارهٔ شدت آتش بزرگ»، سخن از آتشی بزرگ است که شراره‌های آن، جهان را به مدت ۱۴۶۸ سال فروبیلعد؛ ذرات روشنی از زندان تاریکی رها شود و به خورشید و ماه و از آنجا رهسپار بهشت گردد. در بخش بعدی، که در باب روان‌های بدکرداران است، می‌خوانیم که بدکاران از دینوران بی‌هوده التماس کنند که آنان را از آن عذاب‌رهایی بخشند.

افزون بر متن ناقص شاپورگان مکشوف از تورفان، برخی از نویسندگان متقدم دورهٔ اسلامی سرفصل‌ها و مطالبی از این کتاب نقل کرده‌اند. برای نمونه، ابن ندیم عنوان سه فصل از شاپورگان را نام برده است: «انحلال السماعین» (مرگ نیوشایان)، «انحلال المجتبین» (مرگ گزیدگان) و انحلال الخطاه» (مرگ خاطیان) (ابوالقاسمی، ۱۳۷۹: ۵۸). یعقوبی نیز مطالبی را از شاپورگان در مورد نفس پاک و نفس آمیخته با دیوان و بیماری‌ها و نیز اینکه فلک به نظر مانی مسطح است و جهان بر کوه مایلی است که فلک برین بر گرد آن می‌چرخد، آورده است.

از مجموع اطلاعاتی که از همهٔ منابع مانوی و غیرمانوی برمی‌آید، می‌توان گفت که شاپورگان مشتمل بر مطالبی در باب زندگی مانی و آموزه مانویت و به ویژه دربارهٔ رستاخیز و آخرالزمان مانوی، بوده است.

### ۳-۲- کتاب غولان

از کتاب غولان، که یکی از هفت کتاب مانی است، قطعاتی به فارسی میانه و سغدی بازمانده است، قطعاتی که نخستین بار هنینگ (۱۹۴۳) آنها را قرائت و تفسیر کرد. فرم چینی نام این کتاب *Chü-huan* گویا از روی فرم پارتی آن یعنی *Kawān* («کی» در فارسی میانه) می‌آید. فرم یونانی و دخیل قبطی *gigas* و صورت عربی آن *سفر الجبابره* (منقول توسط یعقوبی و ابن ندیم) است. پردازش شروو<sup>۱</sup> (۱۹۹۵ [۱۹۹۷]) پژوهشی اساسی درباره کتاب غولان انجام داده است.

<sup>۱</sup> - Skjaervø, P.



تصویر شماره ۳

M101b/© Das Depositem der BBAW in der SBB, Orientabteilung

این کتاب درباره هبوط فرشتگان و ملائکی است که در عهد عتیق (سفر پیدایش ۶، ۱-۴) از آنان یاد شده است. در روایت مانوی داستان، این ملائک در واقع دیوهایی هستند که به هنگام آفرینش جهان در آسمان‌ها زندانی شدند؛ آنگاه شورش کردند، اما توسط چهار ملک بزرگ دوباره دستگیر شدند. با این حال، دویست تن از آنان گریختند و به زمین آمدند. در این اثر، بسیاری از نام‌های ایرانی مانند سام، نریمان، وشتاسب (گشتاسب)، زریر (زریر)، خُدوس (هوتوس همسر گشتاسب) و آریان و یژن (ایرانویچ) جایگزین اسامی سامی شد تا اثر برای ایرانیان غرابت نداشته باشد. معروف است که مانی بنمایه این اثر را از «کتاب حنوخ (اخنوخ)» برگرفته است.

زوندرمان (۱۹۸۴) قطعه دیگری از کتاب غولان را در مقاله‌ای منتشر کرده است. این مقاله در جلد دوم مجموعه مقالات وی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۱ دوباره منتشر شد (زوندرمان، ۲۰۰۱). بیش از ده سال پیش هم برخی از قطعات ترکی اویغوری این کتاب مانی توسط یک آلمانی دیگر به نام پینس ویلکنز<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) ویراسته و منتشر شده است. پس از این، دو مقاله دیگر (یعنی جدیدترین مقالات) در باب کتاب غولان مانی منتشر شد: یکی به قلم مورانو<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) به نام «پژوهشی جدید راجع به کتاب غولان مانی» که در مقاله‌اش (به هنگام، انتشار مختصر تغییری در عنوان مقاله داده شد) احتمال می‌دهد

<sup>۱</sup> - *Manichaica Iranica*

<sup>۲</sup> - Wilkens, J.

<sup>۳</sup> - Morano, E.

قطعات سغدی So10700a+So20193a و چهار دستنویس دیگر جزء برگ‌های کتاب گولان مانی- اند؛ و دیگری مقاله ویلکنز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) تحت عنوان «کارکرد و اهمیت گونه‌شناسانه کتاب گولان مانی».

#### ۴- قصیده‌ای مانوی به زبان فارسی

تا زمانی که هنینگ (۱۹۶۲) این قصیده مانوی به زبان فارسی را منتشر نکرده بود، هیچ کس باور نمی‌کرد اصلاً شعر موزون و مقفی از مانویان وجود داشته است. این شعر که دستنویس آن بسیار صدمه دیده و تنها به خاطر نبوغ هنینگ قرائت و بازسازی شده، در واقع مرثیه‌ای است از زبان شخصی که تازه در گذشته و در گور گذاشته شده است. او از زمانه بد و از زایل شدن کوشش‌های انسانی توسط نیروهای اهریمنی شکایت می‌کند؛ اما بیشتر از دوستانش که وی را فراموش کرده‌اند، می‌نالد. اگرچه در این شعر، که ظاهراً مربوط به قرن چهارم هجری است، اسامی اسلامی فراوانی دیده می‌شود، با این حال، عقاید مانوی در آن پنهان است. به قول هنینگ، این منظومه را باید شاهدهی بر آمدگی مانویان برای پذیرفتن ماسک‌های جدید دانست تا خود را به وسیله آنها با اوضاع و احوال جدید مطابقت دهند (هنینگ، ۱۹۶۲). قصیده در باب «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات» (اغلب با تسکین، یعنی: «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلات») سروده شده است. قافیه *-ār* «-ار» است. تکنیک‌های متوسط یا حتی زیر متوسطی که شاعر در اینجا به کار می‌برد گویای آن است که سرایش اینگونه اشعار در آغاز دوران اسلامی هنوز قوام نیافته بود. این سبک جدید به سنت مدرسی طولانی‌تری نیازمند بود. با این حال، این شعر باز هم زیباست (متن بدون اشاره به نکات فنی مربوط به بازسازی ارائه شده است):

M 786 /R/

Line 1 [...] syyr'b 'bd'r<sup>oo</sup> <sup>oo</sup> drd'<sup>2</sup>

*1a* ...

*1b* -- U-U-UU *sīrāb ābdār*

... سیراب آبدار

Line 2 [...](š)t(g) k' pr[.] m'nyd 'z jw'b

Line 3 [...] (δ)[.](l)pk''r .(k̄)l gwš'y sxwn

*2a* *dardā \*sirište[-ī] ke furū mānad az jawāb*

*2b* *\*bā dułfaqār[-i] 'aql gušāyī saxun \*ba \*zār*

دردا سرشه‌ای که فروماند از جواب

<sup>1</sup> - Wilkens, J.

<sup>۲</sup> در اصل: *rdr'* (جزء معدود سهویات کاتبان مانوی است)، تفاوت <d> و <r> در خط مانوی آن است که بر بالای

<r> یک نقطه وجود دارد.

با ذوالفقار عقل گشایی سَخُن به زار

- Line 4 [.....].r[.]' [.] 'z 'yn (z)m'ng  
 Line 5 [.....]hr (m)r.[...]n<sup>oo</sup> pry'd 'z  
 Line 6 [.....](m'ng) z(m)[.](n)g 'y sty[.....]  
**3a \*faryād az ēn zamāne \*az \*ēn \*qahr[-i]**  
**\*mardumān**  
**3b faryād az \*ēn zamāne zamāne-i \*sit̄zgār**

فریاد از این زمانه از این قهر مردمان

فریاد از این زمانه، زمانهٔ ستیزگار

- Line 7 [.....] w̄ ..(w'ry). [.....]  
 Line 8 [ ] (h'rw)n [..](z)[.]  
**4a --U-u \*marwārīd -U-U-**  
**4b --U-U \*Hārūn --U-U-**

... و مروارید ...

... هارون ...

- Line 9 [ ]<sup>oo</sup> b'd 'yg  
 Line 10 hw(nr p)y(š) 'y mn 'ryδ šr'b 'y  
 Line 11 [.....] smwm 'yg [ ]  
 Line 12 [.....k.]st zhr w̄ m'r<sup>oo</sup> (hr)  
**5a bād-i hunar [čū] pīš-i man ārad šarāb-i \*haqq**  
**5b --samūm-i --UU-k.st zahr \*i mār**

بادِ هنر (چو) پیش من آرد شرابِ حق

... سموم ... زهرِ مار

- Line 13 [.....].w'rm d'nystm drws[.]  
 Line 14 [.....] c(h')r mrkb byyzyn kwnnd  
**6a har -U-U \*aswār-am dānis'am durust**  
**6b --čahār markab bī-zīn kunan<sup>d</sup> \*f(a)sār**

هر ... اسوارم دانستم درست

... چهار مرکب بی زین کنند فسار

- Line 15 [..]'r<sup>oo</sup> cwn nwh̄ (mr) mr'  
 Line 16 [....k.]štyy pjwr<sup>o''</sup> nk'  
 Line 17 [ ] prw m'ndgtr s[.]d<sup>oo</sup>  
**7a čun Nūh̄ mar marā UU-kaštyī-t̄ ba jaur**  
**7b ān kē U-U-Ufurū-mānde-tar \*sanār**

چون نوح مر مرا ... کشتی‌ای به جور

آن که ... فرومانده تر سنار

/Verso/

Line 18 cwn ywsǰm pk'hr prwd 'bg[...]

Line 19 pc'h<sup>o</sup> c'hyy k' br ny'[...]

Line 20 'w cwzg'hyy šm'r<sup>oo</sup> [<sup>oo</sup>.....]

**8a čun Yūsuf-am ba qahr furūd \*abganan<sup>d</sup> ba čāh**

**8b čāh-ī kē bar-ney-\*āyam \*azū juz gāh-i šumār**

چون یوسفم به قهر فروافکنند به چاه

چاهی که برنیایم ازو جز گه شمار

Line 21 zyyr 'y txt [.]rw xw'b[.....<sup>o</sup>]

Line 22 k'pwr brg '[. .](w)rd kw(n)[.....]

Line 23 [..](m)n nθ'r<sup>oo</sup> <sup>oo</sup> 'nb(')[....]

**9a -- U zīr-i taxt furu x<sup>v</sup>ābanan<sup>d</sup> \*marā**

**9b kāfūr [u] barg-i mūrd kunan<sup>d</sup> \*rūy-i man niθār**

... زیر تخت فروخوابند مرا

کافور و برگ مورد کنند روی من نثار

Line 24 [.....].ng jwft mn k(w)[.](nd)[.....]

Line 25 [1-2](w)y 'y mn ndh[ ]

**10a anbāz U-U-UU-ne juft[-i] man kunand**

**10b -- U sūy-i man ne-dihand -U-U-**

انباز ... جفت من کنند

... سوی من ندهند ...

Line 26 <sup>oo</sup> <sup>oo</sup> brgštɡ [ ]

Line 27 'z gwr mn pd drd<sup>oo</sup> mn (zyyr) 'yg

Line 28 [..](k) frd ny ks [ ]

**11a bargašte -U-UU az gūr[-i] man ba dard**

**11b man zīr-i \*xāk fard ne kas -U-U-**

برگشته ... از گور من به درد

من زیر خاک فرد نه کس ...

Line 29 [...] 'wrdg pwšt (swy '')[.....]

Line 30 [<sup>1-2</sup>]wy 'y r'h d'dg m(d)[.....]

Line 31 w̄ pxrpwštɡ zr pnh'd[.....]

**12a āwarde puš<sup>t</sup> suy-i \*to \*suy-i rāh-dāde \*mard**

**12b -- Uou ba xarpušte[-i] zar ba-nihāde \*xār**

آورده پشت سوی تو سوی راه داده مرد

... او به خرپشته زر بنهاده خار  
 Line 32 °° °° yk b(°)rg y' d[.....]  
 Line 33 kwn'nd bs w' 'nk[.....]  
 Line 34 šwmm k' nbwδm 'z by.[....]  
**13a yak bār yā \*do U--kunand bas**  
**13b w-ān \*gah U-U šawamm kē ne-būδam az bī-**  
 ...  
 یک بار یا دو ... کنند بس  
 وان گه ... شوم که نبودم از بی ...

## ۵- برخی از خصوصیات متون منثور فارسی مانوی

تاکنون ده متن فارسی مانوی کشف شده است. این متن‌ها متعلق به کتابخانه ملی برلین است و اکنون در آرشیو فرهنگستان علوم براندنبورگ (برلین) نگهداری می‌شود. از میان این ده متن، سه متن تاکنون منتشر شده که هر یک مشتمل بر چند قطعه‌اند. این متن‌ها را هنینگ (۱۹۶۲) و چندی بعد زوندرمان (۱۹۸۹ و ۲۰۰۳) منتشر کرده‌اند. مابقی متن‌ها توسط پروازی (۲۰۱۱) و نگارنده (۱۳۹۱) قرائت و تفسیر شده است. این متون به طور کلی گویای این مسئله‌اند که زبان آنها حد فاصل فارسی میانه و فارسی دری است.

برخی از ویژگی‌های فارسی مانوی به قرار زیر است:

**حفظ املا تاریخی:** زبان به مرور ایام تغییر می‌کند، اما ممکن است خط و املا واژگان بدون تغییر حفظ شوند. فرمی که در اینجا در خط می‌آید، کهن است، ولی از نظر زبانی، گونه جدید تلفظ می‌شده است:

- به جای «واو عطف» u هنوز از 'wd استفاده شده است، اگرچه باید به صورت u آوانویسی شود.

- به جای 'ā «اضافه» (کسره اضافه) از 'yg استفاده شده است.

- به جای 'z «از» هنوز از 'c استفاده می‌شود. اما در ترکیب 'z jwd «جدا از» از فرم جدید استفاده شده است. همینطور، در ترکیب «از این»، 'zn «زین» آمده است.

- به جای ba «به» از /pad/ استفاده شده است. در ترکیب با اسم گاهی <d> می‌افتد و

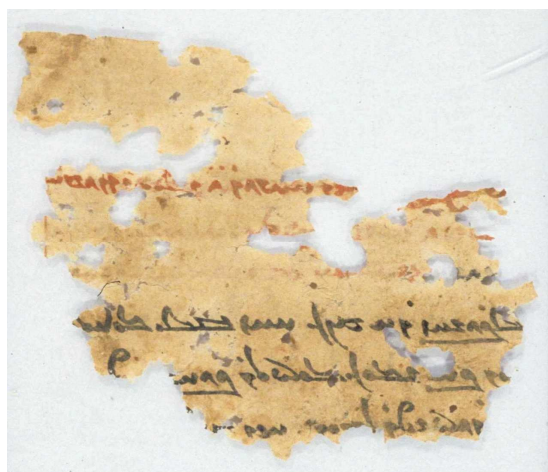
به صورت p- متصل می‌آید، مانند pqrh «به قهر» و pc'h «به چاه» در قطعه M 786/V/1- [18-19]:2/

18/ cwn ywsp̄m pqrh prwd 'bg[...]

19/ pc'h° . . .

«چون یوسفم به قهر فرو افک[ند] به چاه».

- وجود واژگان عربی نسبتاً فراوان: مانند: 1'fy «فعل»، ٓٓδ' b «عذاب»، 'y1 «ألا»، mδl «مَثَل»، tδδlyδδ «تثلیث».



تصویر شماره ۴

M9011/© Das Depositem der BBAW in der SBB, Orientabteilung

- **های غیرملفوظ:** آوای /g/ در واژه‌های مختوم به نویسه <g> در دوره انتقال مختصات زبانی فارسی میانه به دوره فارسی نو به «ها»ی غیرملفوظ تحول می‌یابد (برای نمونه، /x' n' g /xāne/ نوشته شدن x' ng به صورت x' n' g (در دستنویس‌های به خط مانوی) یا به صورت x' n' k (در دستنویس‌های به خط سُغدی) به این معنی است که کاتب متن فارسی مانوی، سُغدی بوده است. در اینجا، های غیرملفوظ با همان صورت فارسی میانه ag- نوشته می‌شود، اما در این دوره پسوند اسم ساز «گ» دیگر از زبان حذف شده بود و فقط به خاطر حفظ سنت کتابت می‌آمده است. مانند: rn(j)g «رنجه»، hmg «همه»، hm' rg «هماره/همواره»، 'šk' rg «اشکاره/اشکار»، br- wyxtg' «برآویخته/دست به گریبان/درگیر»، 'šn' s' g «شناسه/شناسا» و nbyg «نبی» (کتاب، کتاب مقدس) (M9011/A-side/3، دستنویس بالا). اما بسیار جالب است که کاتب مانوی به تصور این که واژگان عربی مختوم به «ها»ی غیرملفوظ نیز باید قانون بالا را از سر گذرانده باشند، واژه‌ای مانند «جمله» را به صورت jwmlg می‌نگارد (M106/II/V/6/)، اما بی‌تردید آن را باید به صورت /jomla/ آوانویسی کرد.

<sup>۱</sup> - خط سُغدی نویسه <g> ندارد و به جای آن <k> نوشته می‌شود.

**اتصال ضمیر به فعل:** مانند: gwftš «گفتش» (به او گفت) یا šn'syds'n «شناسیدش» (شناختن آن) یا nb'syds' «نباشدش» (نباشد آن را).  
**مر ... را:** نشانهٔ مفعولی در متون متأخر مانوی، «را» است. اما در یک مورد از ترکیب «مر + مسندالیه مفعولی + را» نیز استفاده شده است:

M106/II/V/10-11/:

'wd 'xyryn qrd(°)r mr 'wwlyn r' hm-I b'tyl qwnyd °

و آخرین کردار مر اولین را همی باطل کند.

شواهدی که در ادبیات منظوم و منثور فارسی نو وجود دارد، بیانگر آن است که این نشانه در ماوراءالنهر و خراسان معمول بوده است.

پژوهندهٔ این متن‌ها اکثر این ویژگی‌ها را در متون متقدم فارسی نیز می‌بیند. بنابر این، ضرورت دارد که او این دسته از متون، حداقل متن‌های تا قرن پنجم، را به طور جدی بررسی کند؛ علی‌الخصوص ترجمه‌های فارسی قرآن را، برای نمونه: رواقی، *قرآن قدس*، ۱۳۶۴؛ آیت الله زاده شیرازی، *بخشی از تفسیری کهن به پارسی*، ۱۳۷۵؛ حسن بن علی قمی، *ترجمه المدخل الی علم احکام النجوم*، ۱۳۷۵؛ روشن، *بخشی از تفسیری کهن*، ۱۳۸۲؛ رواقی، *تفسیر قرآن پاک*، ۱۳۸۵؛ سلطانیه، *چند برگ تفسیر قرآن طاهر*، ۱۳۹۰؛ و کتاب‌های مهمی مانند *علی الهروی، الابنیه عن حقایق الادویه*، ۱۳۴۶ و *اخوینی، هدایه المتعلمین فی الطب*، ۱۳۴۴.

## ۶- فهرست‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌های مانوی

از جامعهٔ مانوی تعدادی فهرست‌نامه و لغت‌نامه بازمانده است. در حقیقت، فرهنگ‌های مانوی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: فهرست موضوعی واژگان؛ و فرهنگ لغت. از این متون تنها برگ‌هایی باقی است.<sup>۱</sup>

### ۶-۱- فهرست‌نامه‌ها

فهرست‌نامه‌ها جملگی به زبان سغدی و مشتمل بر فهرست واژگان موضوعی‌اند، مانند «ناف‌نامه» Nāf-nāmak (فهرست نام ملت‌ها)، «روزنامه» Rōč-nāmak (فهرست نام روزها)، «منطقه البروج نام» Anxar-nāmak (فهرست اسامی منطقه البروج). فهرست اسامی اعضای صورت انسان و اندام‌های بدن انسان نیز موجود است: «سَر‌نامه» و «اندام‌نامه» (زوندرمان، ۲۰۰۲). برخی از فهرست‌ها در بردارندهٔ اسامی ایزدان‌اند، مانند قطعهٔ سغدی Ch/U6827/V/. زوندرمان احتمال می‌دهد که این فهرست‌نامه‌ها اساساً از سنتی بین‌النهرینی اقتباس شده باشند.

<sup>۱</sup> - هنینگ نخستین دستنویس‌ها را در مقاله اش «سُدیکا» (۱۹۴۰) منتشر کرد.



تصویر شماره ۵

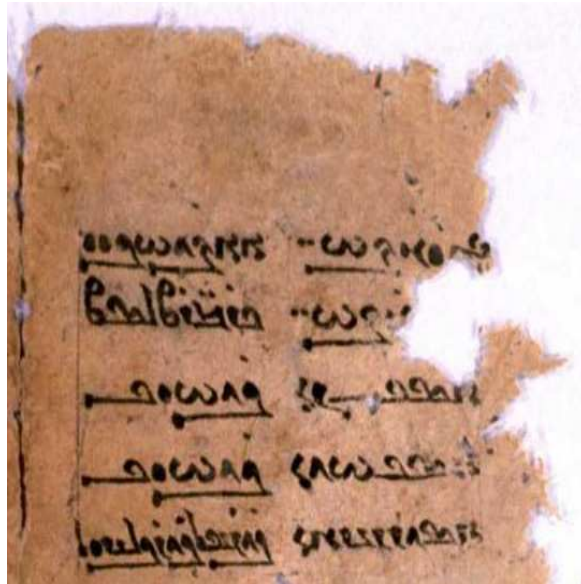
Ch/So15530/© Das Depositem der BBAW in der SBB, Orientabteilung

#### ۶-۲- واژه‌نامه‌ها

با توجه به زبان، فرهنگ‌های موجود به دو گروه تقسیم می‌شوند: فرهنگ لغت فارسی میانه و پارسی - سغدی و فرهنگ سغدی - ترکی.

در واژه‌نامه فارسی میانه و پارسی - سغدی، هر صفحه دو ستون دارد. هر سطر در بردارنده واژه فارسی میانه (یا پارسی) و اگر جا برای هر دو باشد، در همان سطر معادل سغدی آن می‌آید، وگرنه ترجمه سغدی مدخل در سطر بعد می‌آید.

برخی از واژه‌نامه‌ها احتمالاً «فهرست واژگان متن» رساله یا کتابی بودند که به آخرشان افزوده شده بود (چنانکه امروزه معمول است). خط آنها زیبا نیست و واژه‌ها به طور نامنظم چیده شده‌اند. با توجه به محتوای این لغت‌نامه‌ها، به نظر می‌رسد که آنها نه فقط برای ترجمه متون تخصصی، بلکه برای نوآموزانی نیز بود که قصد داشتند واژه‌ها و عبارتهای دشوار متن را دریابند. از این رو، گاهی به نظر می‌رسد برخی از این لغت‌نامه‌ها در حقیقت یادداشتهای نوآموزان در مکتب‌خانه‌ها و دبیرخانه‌ها بودند. در واژه‌نامه فارسی میانه - سغدی زیر، آرایش مدخل‌ها بر پایه نخستین نویسه آغازین واژه است (هنینگ، ۱۹۴۰: ۲۱):



تصویر شماره ۶

M111/© Das Depositem der BBAW in der SBB, Orientabteilung

M 111/V/ (15) 1/ (')yrkš <sup>oo</sup>	''xwškyy	خوش آمد
(16) 2/ '[y](r)kš <sup>oo</sup>	prβrtδst	دست به سینه
(17) 3/ 'spzn	xwšyp	تازیانه، شلاق
(18) 4/ 'spšwn	xwšyp	تازیانه، شلاق
(19) 5/ 'swddnd'n	xwrnptxwrkδndyt <sup>1</sup>	خون آشام دندان

### ۷- دستنوشته‌های مانوی کُلن: مهم‌ترین زندگینامه مانوی

مهم‌ترین زندگینامه مانوی در یک دستنویس یونانی مانوی (نگاشته در حدود سده پنجم میلادی)<sup>۲</sup> بازتاب پیدا کرده که به «دستنوشته‌های مانوی کُلن»<sup>۳</sup> معروف است<sup>۴</sup>، چرا که دستنویس‌های این اثر در کتابخانه دانشگاه شهر کُلن آلمان نگهداری می‌شوند. این کتاب با ۱۹۲ صفحه که با ورق‌هایی به اندازه

<sup>۱</sup> - نویسه پایانی <|> در هنینگ، ۱۹۴۰، ۲۱، با نویسه <|>.

<sup>۲</sup> - یعنی حدود یک قرن و نیم بعد از مانوی.

<sup>۳</sup> - Codex Manichaicus Coloniensis = Kologne Mani-Codex.

<sup>۴</sup> - برای دستیابی به متن دستنوشته مانوی کُلن، بنگرید به:

In German: Koenen-Römer 1988; in English: Cameron-Dewey 1979.

۳/۵ در ۴/۵ سانتی متر است یکی از کوچک‌ترین کتاب‌های جهان است، در اسیوط مصر (لیکوپولیس باستانی) کشف شده و در اصل ترجمه یونانی اصل کتاب از سریانی است. هر یک از بخش‌های این کتاب توسط چند تن از شاگردان مانی گردآوری شده است. در این اثر داستان‌های مختلف و زیبایی از حیات مانی (به دلیل از میان رفتن بخشی از دستنویس، از چهارسالگی تا ۲۴ سالگی) نقل شده است. بسیاری از این روایات نقل قول‌های مستقیم از زبان خود مانی است.

مطالب این اثر به قرار زیر است: کودکی مانی نزد جماعت مغتسله (الخصائیه)؛ مجادلات دینی مانی با این جماعت؛ ظهور «همزاد» (syzygos) بر مانی و الهام‌های او؛ جدایی از فرقه مغتسله؛ گفتارهایی در باب آدم، شیث، حنوخ، سام، پائولوس؛ نامه مانی به شهر ادسا؛ فرستادن هیئت‌های تبلیغی به شرق و غرب؛ داستان گرفتار شدن مانی و پتیگ در توفان شن؛ داستان معراج مانی به آسمان؛ سفر به هند.



تصویر شماره ۷

CMC, M 2 (23)<sup>1</sup>

در بخشی از اثر (CMC 21.2-16) مانی می‌گوید: همزادم به من آموخت که  
 (2) καὶ τίς εἰμι καὶ (3) τοῦ μὲν σῶμα καὶ ποίωι (4) τρόποι  
 ἐλήλυθα καὶ ὡς (5) γέγονεν ἢ ἄφξις μὲν (6) εἰς τόνδε τὸν

<sup>1</sup> برای دستیابی به عکس دستنوشته مانوی کلن، بنگرید به وبسایت دانشگاه کلن:

κόσμον |(7) καὶ τίς γίγνομαι τῶν ὑ|(8)παρκόντων κατὰ τὴν  
|(9) ὑπεροκὴν ἐπισημοτά|(10)των καὶ ὡς ἐγεννήθη |(11) εἰς  
τὸ ζαρκῶδες τοῦτο |(12) ζῶμα ἢ διὰ ποίαν μα|(13)ευθεὶς  
ἐλοκεύθη κατὰ |(14) τὴν ζάρκα ταύτην καὶ |(15) ἀπὸ τίνος

...

من کیستم و کالبدم از چیست، چگونه آمده‌ام و چه کسی مرا بدین جهان  
آورد، و من چه شده‌ام در میان آنانی که در برتری مشهورترین‌اند، و چگونه  
در این تن گوشتی (جسمانی) زاده شدم، یا کیه بود زنی که با واسطه او بدین  
جهان آمدم و با این گوشت زاده شدم ...<sup>۱</sup>

\* \* \*

## کوتاه نوشت‌ها و منابع

II	second column of manuscripts
BBAW	Berlin-Brandenburgische der Akademie der Wissenschaften
Ch	Chinese (signature of Chinese fragments in Chinese script)
CMC	Codex Manichaicus Coloniensis
M	Manichaica, Manichaeana (signature of Manichaeana fragments in Manichaeana script)
R	Recto (front-side of a fragment/manuscript)
SBB	Staatsbibliothek zu Berlin, Preußischer Kulturbesitz
So	Sogdian (signature of Sogdian fragments in Sogdian script)
U	Uyghur
V	Verso (back-side of a fragment/manuscript)

- آیت الله زاده شیرازی، سید مرتضی (تصحیح) (۱۳۷۵). *بخشی از تفسیری کهن به پارسی، تهران، میراث مکتوب؛ مرکز فرهنگی نشر قبله.*
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۹). *مانی به روایت ابن‌الندیم، تهران، طهوری.*
- اخوینی، ابوبکر محمد (۱۳۴۴). *هدایه المتعلمین فی الطب، به تصحیح جلال متینی، مشهد، دانشگاه مشهد.*
- حسن بن علی قمی، ابونصر (۱۳۷۵). *ترجمه المدخل الی علم احکام النجوم، از مترجمی ناشناخته، به تصحیح جلیل اخوان زنجانی، تهران، میراث مکتوب؛ علمی و فرهنگی.*

<sup>۱</sup> - دستنویس مانوی کُن به قلم امیرحسین شالچی به فارسی ترجمه شده است: رومر و گئینون، ۱۳۷۸.

- رواقی، علی (به کوشش) (۱۳۶۴). *قرآن قدس*، تهران، موسسه فرهنگی شهید محمد رواقی.
- رواقی، علی (به کوشش) (۱۳۸۵). *تفسیر قرآن پاک*، با مقدمه حافظ محمدخان شیرانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سمت.
- روشن، محمد (به تصحیح) (۱۳۸۲). *بخشی از تفسیری کهن، با یادداشت‌های مجتبی مینوی*، تهران، سمت.
- زرشناس، زهره (۱۳۶۹). «داستان سغدی مرواریدسنب»، *سیمرغ*، س. ۱، س. ۹-۷، ص ۳۷-۳۹.
- زرشناس، زهره (۱۳۷۵). «داستان سغدی میمون و روباه». *مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)*، س. ۹، ش. ۱، شماره مسلسل ۱۷، ص ۳۵۸-۳۴۹.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۰). *جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه شرقی (مجموعه مقالات)*، به کوشش ویدا نداف، تهران، فروهر.
- زرشناس، زهره؛ آناهیتا پرتوی (۱۳۸۹). «قصه‌هایی از سغد»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلطانیه، فروغ (به کوشش) (۱۳۹۰). *چند برگ تفسیر قرآن طاهر*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شکری فومشی، محمد (۱۳۹۱). «یک دستنویس فارسی مانوی از مجموعه تورفان. بازویرایش و بررسی نسخه شناختی»، نخستین همایش زبان‌ها و گویش‌ها، تهران، ۱۹ خرداد ۱۳۹۱ (آماده انتشار).
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۸۱). *سندبادنامه*، تصحیح محمدباقر کمال‌الدینی، تهران، میراث مکتوب.
- علی الهروی، ابومنصور (۱۳۴۶). *اللابیه عن حقایق الادویه*، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران، دانشگاه تهران.
- عمرانی، نوشین (به کوشش) (۱۳۷۹). *شاپورگان (اثر مانی درباره رویدادهای پایان جهان)*، آوانویسی، ترجمه، اساطیر بر اساس قرائت مکنزی، تهران، استاد.
- کلیم کایت، هانس یواخیم (۱۳۸۴). *هنر مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، اسطوره، ویراست دوم.
- کورنلیا رومر و لُدیگ گئینون (۱۳۷۸). *بازمانده‌های زندگی مانی*، ترجمه امیرحسین شالچی، تهران، آتیه.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله، *کلیله و دمنه* (۱۳۷۳). توضیح و شرح لغات حسین حداد، تهران، قدیانی.
- Boyce, M. (1975). *A Reader in Manichaeae Middle Persian and Parthian*, Téhéran-Liège (Acta Iranica 9a).

- Cameron R. and A. J. Dewey (trs.) (1979). *The Cologne Mani Codex (P. Colon. inv. nr. 4780) 'Concerning the Origin of his Body'*, Missoula.
- Durkin-Meisterernst, D., Chr. Reck and D. Weber (eds.) (2009). *Literarische Stoffe und ihre Gestaltung in mitteliranischer Zeit. Kolloquium anlässlich des 70. Geburtstages von Werner Sundermann*, Wiesbaden, XIII+381+XV Tafeln.
- Henning, W. B. (1940). *Sogdica*, James G. Forlong Fund, vol. XXI, London (67 p. with Errata and addenda), 1-67 [= Acta Iranica 17].
- Henning, W. B. (1943). "The Book of the Giants", *BSOAS* 11, pp. 52-74 [= Acta Iranica 17].
- Henning, W. B. (1945). "Sogdian tales", *BSOAS* 12, pp. 465-487 [= Acta Iranica 17].
- Henning, W. B. (1962). "Persian Poetical Manuscripts from the Time of Rūdakī", in: *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, London, pp. 89-104 [= Acta Iranica 17].
- Hutter, M. (1992). *Manis kosmogonische Šābuhragān-Texte*, Wiesbaden.
- Koenen, L. und C. Römer (eds.) (1988). *Der Kölner Mani-Kodex (Über das Werden seines Leibes)*, Kritische Edition aufgrund der von A. Henrichs und L. Koenen besorgten Erstedition, Opladen.
- Le Coq, A. v. (1922). *Tuerkische Manichaica aus Chotscho*. III, Berlin, repr. Graz 1979.
- Le Coq, A. v. (1923). *Die buddhistische Spätantike in Mittelasien*, II: *Die manichäischen Miniaturen*, Berlin, repr. Graz 1973.
- MacKenzie, D. N. (1979-1980). "Mani's Šābuhragān [I]", *BSOAS* 42, 1979, pp. 500-534; "Mani's Šābuhragān-II", *BSOAS* 43/2, 1980, pp. 288-310.
- Müller, F. W. K. (1904). *Handschriften-Reste in Estrangelo-Schrift aus Turfan, Chinesisch-Turkestan*, I, SPAW, IX, 348-52 ; II aus dem Anhang zu den APAW, 11-24.
- Özertural, Z. und J. Wilkens (2011). *Der östliche Manichäismus. Gattungs- und Werksgeschichte, Vorträge des Göttinger Symposiums von 4.-5. März 2010*, Abhandlungen der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen, neue Folge 17.
- Provasi, E. (2011). "New Persian Texts in Manichaean Script from Turfan", in: *The Persian Language in History*, ed. M. Maggi and P. Orsatti, Wiesbaden, pp. 119-177.

- Reck, Chr. (2005). "The tribulations of human existence: a Sogdian fragment corresponding to a passage of Burzōy's Preface to *Kalīlah wa Dimnah?*", in: *Il Manichaeismo. Nuove prospettive della ricerca* [sic]. *Atti del Quinto congresso internazionale di studi sul manicheismo. Dipartimento di Studi Asiatici Università degli Studi di Napoli "L'Orientale", Napoli, 2-8 Settembre 2001*, ed. by A. van Tongerloo in coll. C. L. Cirillo, Turnhout, pp. 331-341, plates pp. 434-435.
- Reck, Chr. (2010). "Šābuhragān", *Encyclopedia Iranica*, s.v. 331-341
- Rzehak, L. (1995). "Menschen des Rückens – Menschen des Bauches. Sprache und Wirklichkeit im Verwandtschaftssystem der Belutschen", in: *Iran und Turfan. Beiträge Berliner Wissenschaftler, Werner Sundermann zum 60. Geburtstag gewidmet*, herausgegeben von Christiane Reck und Peter Zieme, Wiesbaden 1995, 207-229.
- Skjaervø, P. O. (1995). "Iranian Epic and the Manichean *Book of Giants*. Irano-Manichaica III," *AOASH* 48/1-2 = E. Jeremias, ed., *Zsigismond Telegdi Memorial Volume*, Budapest [1997], pp. 187-223.
- Sunderman, W. (1984). "Ein weiteres Fragment aus Manis Gigantenbuch", *Orientalia J. Duchesne-Guillemin emerito oblata*, Leiden, pp. 491-505.
- Sundermann, W. (1989). "Ein manichäischer Bekenntnistext in neupersischer Sprache", *Études irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard*, Association pour l'avancement des études iraniennes, Paris, 1989, pp. 355- 365; Re-publ. in: *Manichaica Iranica. Ausgewählte Schriften I - II*, ed. Chr. Reck; D. Weber; C. Leurini; A. Panaino, Roma, 2001 ( Serie Orientale Roma LXXXIX, 2 ), pp. 645-655.
- Sunderman, W. (2001). *Manichaica Iranica. Ausgewählte Schriften*, eds. by Chr. Reck, D. Weber, C. Laudia and A. Panaino, 2 vols, Roma.
- Sundermann, W. (2002). "The Book of the Head and the Book of the Limbs", in: Ph. Huyse, *Iran: Question et Connaissances. Actes du IV<sup>e</sup> congrès européen des études iraniennes, organisé par la Societas Iranologica Europaea, Paris, 6-10 septembre*

- 1999, vol. I : *La période ancienne*. Paris, Peeters/AAEI, pp. 135-161. (*Studia Iranica*, Cahier 25).
- Sundermann, W. (2003). “Ein manichäischer Lehrtext in neupersischer Sprache”, in: *Persian Origins. Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian. Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999*, ed. L. Paul, Wiesbaden, pp. 243-274.
- Wilkens, J. (2000). “Neue Fragmente aus Manis Gigantenbuch”, *ZDMG* 150, pp. 133-176.

.....

س س ا ل